

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه

### مبحث موت و فنا ( ص ۹۰ ف ۵ - ص ۹۱ ف ۱ )

این بحث‌ها را می‌خوانیم برای اینکه ان‌شاءالله آماده باشیم؛ یعنی اگر هفته‌ی بعد، کسی نیامد، نگوییم چرا نیامد؟ اگر رفت خوش به حالش که رفت، عیبی ندارد. یا اگر آمدیم دیدیم، طیب نیست، نگوییم چه شد؟ ته دلمان خوشحال باشیم که رفت. الحمدلله مرغی از قفس پرید، رفت و آزاد شد. ان‌شاءالله این حرف‌ها را فقط در ذهن انبار نکنیم، روحیاتمان هم برای موت آماده باشد؛ چه به خودمان گفتند برو چه به دوستان؛ خدا حاج آقا دولابی را رحمت کند، یادم است مرحوم آیت‌الله سیدعبدالحسین معین‌شیرازی که انسان بزرگوار و ارزشمندی بودند، از شاگردان مرحوم آیت‌الله انصاری همدانی بودند، بیماری بسیار دشواری گرفته بودند و لحظه به لحظه به مرگ نزدیک می‌شدند. در یکی از جلسات یکی از اهل جلسه به حاج آقا دولابی گفت، حال حاج آقای معین‌شیرازی خطرناک شده است، دعا کنید خدا ایشان را شفا دهد و نجات پیدا کنند. ایشان فرمودند: ما که هنر نداریم، خودمان کسی را پیش خدا بفرستیم، حالا کسی هم خودش می‌رود، ما با دعا جلویش را بگیریم؛ بگذارید برود بنده‌ی خدا؛ چرا می‌خواهید جلویش را بگیرید؟ حالا داستان این است. ان‌شاءالله موت را طوری شیرین و لذیذ تلقی کنیم که اگر آمد واقعاً با گوارایی و آغوش باز پذیرای آن باشیم؛ خیلی حادثه‌ی مبارک و میمونی است.

❁ «التَّوَمُّ أَخُ الْمَوْتِ»<sup>۱</sup> خواب، برادر کوچک موت است. قرآن هم فرمود: «اللَّهُ يَتَوَفَّى

الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا» خداوند هنگام مرگ و کسی که مرگش فرا

نرسیده است، هنگام خوابیدنش، افراد را قبض روح می‌کند به همین خاطر

مستحب است هنگام بیدار شدن از خواب این دعا خوانده شود که: «الْحَمْدُ لِلَّهِ

الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي "وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَاعْبُدَهُ»

سپاس خدایی را که پس از آنکه مرا میراند، زنده‌ام کرد و رستاخیز به سوی

اوست. سپاس خدایی را که روحم را به من بازگرداند تا او را سپاس گویم و

عبادت نمایم. هر قدر خوابیدن لذت‌بخش و راحتی‌آور است، برای مؤمن موت

چندین برابر آن شیرین و راحتی‌آور است.

یعنی ما در هر شبانه‌روز لااقل یک‌بار موت را تجربه می‌کنیم. فرمود: «تَمُوتُونَ كَمَا تَنَامُونَ وَ

تَبْعُونَ كَمَا تَسْتَيْقِضُونَ»<sup>۲</sup> همان‌طور که می‌خوابید می‌میرید، همان‌طور که بیدار می‌شوید

روز قیامت برانگیخته می‌شوید. درواقع خدای متعال یک ماکت کوچک از موت را در

اختیار ما قرار داد، اقلأً یک‌بار در شبانه‌روز ما مردن را تجربه می‌کنیم؛ چون وقتی انسان

---

<sup>۱</sup> . مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۸۹.

<sup>۲</sup> . فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۷۱۱ و تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۱۸ و کبیرمدنی شیرازی، ریاض السالکین، ج ۲، ص

۲۳ و بانوی اصفهانی، سیده نصرت‌امین، ج ۱۱، ص ۲۱۵.

می خوابد، قبض روح می شود. «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا»<sup>۳</sup> خدا موقع موت نفس ها و جان ها را می گیرد. کسی هم که نمرده، موقع خواب روحش را می گیرد. اینکه در خواب علائم حیاتی در ما وجود دارد، برای نفس حیوانی ماست، ربطی به روح الهی ندارد؛ لذا مستحب است وقتی فرد از خواب بیدار می شود، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي "وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ"»<sup>۴</sup> «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبَدَهُ»<sup>۵</sup> این برای این است که بفهمیم برادر کوچک موت، خواب است. برادر کوچکش خیلی شیرین است، همه ی خستگی انسان در می رود. شما خیلی خسته ای، نیم ساعت می خوابی و بعد بلند می شوی و می بینی سنگول، سرحال و شاداب شدی و همه ی خستگی ها رفت. این خواب چقدر لذیذ است! چقدر چسبید! چقدر فرد از این خواب لذت برد! موت برای مؤمن به مراتب از این لذت بخش تر، راحتی آورتر و شیرین تر است؛ یعنی می خواهیم کمی با موت رفیق شویم. تصویر تلخی که از موت در ذهن ها ترسیم شده، جفای به موت است. بدبینانه نگاه کردن یا از منظر غیر مؤمنین به موت نگاه کردن است؛ والا موت برای مؤمن بسیار نشاط آورست و خستگی یک عمر زحمتهای انسان را در این عالم، از تن فرد در می کند. مؤمن در دنیا در زندان است: «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ»<sup>۶</sup> وقتی در زندان باز می شود، انسان

<sup>۳</sup>. سوره ی زمر، آیه ی ۴۲.

<sup>۴</sup>. سوره ی ملک، آیه ی ۱۵.

<sup>۵</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۵۳۹ و مجلسی، بحار، ج ۷۳، ص ۲۰۴ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۰.

<sup>۶</sup>. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۴۵ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۳۴ و کفعمی، المصباح، ص ۴۹.

<sup>۷</sup>. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۵۰ و مجلسی، بحار، ج ۶۵، ص ۲۲۱ و فیض کاشانی، وافی، ج ۵، ص ۷۶۰.

بیرون می‌آید، دو تا نفس در فضای بیرون زندان می‌کشد و همه‌ی خستگی‌های چند سال زندانی بودن از تنش در می‌رود و یادش می‌رود. ان شاء الله با موت رفیق شویم. نمی‌گوییم ما جلو بزنییم و بخواهیم زودتر بمیریم، نه؛ ولی وقتی آمد، ناخرسندی نشان ندهیم. بگوییم: خوش آمدی، قدمت مبارک و با دل شاد با موت روبرو شویم.

❁ کسی که به موت رسید، از قیامت سر در می‌آورد. (۸:۰۸)

این هم مضمون یک حدیث است: «مَنْ مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ»<sup>۸</sup> کسی که به موت برسد، قیامتش برپا می‌شود. دو نوع قیامت داریم؛ یک قیامت صغری و یک قیامت کبری. هر یک از اینها هم یک قیامت انفسی و یک قیامت آفاقی دارد. در واقع یک‌بار قیامت در درون ما برپا می‌شود و یک وقت قیامت در عالم برای همه، عمومی برپا می‌شود. قیامت عمومی که برای همه برپا می‌شود، حسابش از این قیامت فردی جداست. می‌شود قیامت انسان در سیر عرفانی‌اش برپا شود. همه‌ی علائمی هم که در قرآن برای قیامت آمده در قیامت انفسی هم مصداق دارد: «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ»<sup>۹</sup>، «وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ»<sup>۱۰</sup>، ... کوه‌ها مثل پنبه زده می‌شود، مرده‌ها مثل ملخ یا پروانه‌های زنده شده از گور بلند می‌شوند و بیرون می‌آیند «جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ»<sup>۱۱</sup> و ... انسان در سیروسلوک دنیا را پشت سر می‌گذارد و به موت

---

<sup>۸</sup>. مجلسی، بحار، ج ۵۸، ص ۷.

<sup>۹</sup>. سوره‌ی انفطار، آیه‌ی ۱.

<sup>۱۰</sup>. سوره‌ی تکویر، آیه‌ی ۲.

<sup>۱۱</sup>. سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۷.

می‌رسد و سر از برزخ انفسی؛ یعنی قیامت صغرایش در می‌آورد. آن را هم که پشت سر بگذارد، در نفس و سیر درونی خودش سر از قیامت کبری در می‌آورد؛ یعنی ملکوت اسفل و ملکوت اعلی، هر دو را طی می‌کند. بعد از ملکوت بالاتر می‌رود و در سیر انفسی خودش سر از فضای جبروت در می‌آورد تا اینکه به لاهوت برسد. به هر حال این اتفاق می‌افتد. فرد می‌خواهد سر از آنجا در بیاورد، بسم الله، راهش موت است. وقتی فرد به موت برسد، از قیامت سر در می‌آورد. قیامت هم جایی است که گفت:

هله عاشقان بشارت که نماند این جدایی      برسد زمان وصل و بکند خدا خدایی

آنجا خدا خدایی می‌کند؛ یعنی تمام قدرت الهی ظهور می‌کند. «لَمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»<sup>۱۲</sup> فرمانروایی خدا آنجا به‌طور کامل تجلی می‌کند. سالک هم در سیر عرفانی خود وقتی به قیامت انفسی‌اش می‌رسد، همه‌ی این حقایق اتفاق می‌افتد. تمام چیزهایی که به‌عنوان علائم قیامت آفاقی گفته شده، مصداقش در قیامت انفسی هم وجود دارد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

---

<sup>۱۲</sup>. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۱۶.